

سختگوی کمیسیون توسعه تجارت خانه صنعت، معدن و تجارت با اشاره به الگوگیری نهادها از سرعت خدمات رسانی در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی علیه ملت ایران گفت: باید حوزه‌های فرایند ترخیص کالا و تولید بازنگری شود تا تولیدکنندگان دغدغه‌ای جز تولید نداشته باشند.

سیدروح...لطیفی در گفت‌وگو با ایرنا، با اشاره به ترخیص سریع کالاها از گمرکات که در ایام جنگ اخیر رخ داد، اظهار داشت: در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه رژیم اسرائیل علیه ایران شاهد همراهی مردم و تولیدکنندگان و هماهنگی بخش دولتی و خصوصی در تسریع خدمات رسانی بودیم. وی افزود، به خاطر توسعه روابط ایران با کشورهای همسایه، کوتاه سازی و چابک سازی فرایندها، واردات در این دوره بسیار روان شد و کالاهای اساسی و مواد اولیه به سرعت ترخیص و در اختیار واردکنندگان و تولیدکنندگان قرار می‌گرفت. سختگوی کمیسیون توسعه تجارت خانه صنعت، معدن و تجارت با بیان اینکه نیاز به تجارت روان در کشور داریم گفت: در واردات و صادرات اگر کالایی دارای استاندارد و کیفیت است باید به سرعت ترخیص شود به گونه‌ای که در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه شاهد تسریع در ترخیص کالاها به خاطر ایمن سازی سرمایه‌های واردکنندگان و تأمین کالاهای مورد نیاز مردم بودیم. وی عنوان کرد: همدلی نهاد‌های دولتی باعث شد با بخشی از کالاها با تصمیم‌های ارزی ترخیص شود در همین راستا بانک مرکزی یک میلیارد دلار برای کالاهای اساسی تخصیص داد و بدهی‌های خارجی پرداخت شد، ضمن اینکه مطالبه‌های واردکنندگان به سرعت مورد بررسی قرار گرفت. لطیفی تأکید کرد: جنگ تحمیلی ۱۲ روزه باعث همدلی بیشتر بخش دولتی و خصوصی از جمله واردکنندگان و تولیدکنندگان شد به گونه‌ای که کالاها و مواد اولیه به سرعت از گمرکات و بنادر به سمت کارخانجات ترخیص شد.

وی با اشاره به تعامل تجاری ایران با کشورهای همسایه داریم، افزود: تأمین نیازهای اساسی کشور با تعامل دیپلماسی قابل جبران است و باید بیش از پیش تقویت شود. وی با عنوان اینکه واردکنندگان در ترخیص کالاها با قوانین متعدد و موازی کاری روبه‌رو هستند گفت: این قوانین باعث می‌شود که از لحظه ثبت سفارش تا زمان کنترل اسناد و ترخیص کالاها شاهد کندی باشیم ضمن اینکه در شرایط تحریمی، مشکل ارزی نیز داریم.

سختگوی کمیسیون توسعه تجارت خانه صنعت، معدن و تجارت خاطر نشان کرد: بر اساس قوانین در کنوانسیون‌های بین‌المللی کالاها و تجهیزاتاتی که دارای سلامت و کیفیت هستند به سرعت ترخیص می‌شوند؛ از آنجاکه ایران نیز عضو این کنوانسیون‌های بین‌المللی است، باید در جهت سرعت بخشی به ترخیص کالاها برنامه‌ریزی کند.

وی اضافه کرد: قوانین، استانداردها و شاخص‌های محیط زیستی و بهداشتی ترخیص کالاها مشخص است از این رو با کاهش تعدد قوانین و موازی کاری ادارت باید گمرک به عنوان مرجزبان اقتصادی، نهاد حاکمیتی و مجری قوانین در این زمینه مدیریت کند تا با رفع موانع کندی ترخیص از بین برود. لطیفی بر الگوگیری از سرعت بخشی خدمات رسانی پرداخت و گفت: در شرایط جنگی که کالاها نیاز به ترخیص داشتند به سرعت ترخیص شدند ضمن اینکه ما این تجربه را در ترخیص سریع و آکسن‌ها، ماشین‌آلات و تجهیزات کرونا نیز داشتیم به گونه‌ای که کمتر از قایقی، محصولات ترخیص می‌شدند. وی بیان داشت: در دوره کنونی ما ارتباط خوبی با کشورهای همسایه داریم از این رو بود که نگران واردات کالا‌های اساسی و مواد اولیه نبودیم که باید بر آمیختگی اقتصادی کشورها را تقویت کنیم تا اراده دشمنان برای ضربه زدن به ما ضعیف شود. سختگوی کمیسیون توسعه تجارت خانه صنعت، معدن و تجارت با تأکید بر اینکه تولید در جنگ تحمیلی با قدرت ادامه داشت، گفت: با اینکه تعدادی از واحدهای تولیدی دچار آسیب و خسارت ناشی از جنگ شدند، اما تولیدکنندگان با نگاه انسانی و وحدت‌آفرین همچنان در کنار مردم ایستادند تا کمبودی در بازار حس نشود.

وی خاطرنشان کرد: با اقدامات صورت گرفته، ذخایر استراتژیک کشور نه تنها مورد استفاده قرار نگرفت بلکه جهش قیمت در شبکه تولید و توزیع نیز به وجود نیامد. لطیفی به حمایت‌های دولت از واحدهای آسیب دیده تأکید کرد و گفت: مصوبه‌هایی در شرایط جنگ توسط دولت در راستای حمایت از تولید و مردم صورت می‌گیرد که با همراهی دستگاه‌ها به مرحله اجرای رسد در این زمینه نیاز داریم تا در قدم اول ارزیابی از خسارت‌ها صورت بگیرد. سختگوی کمیسیون توسعه تجارت خانه صنعت، معدن و تجارت عنوان کرد: دولت با همکاری شرکت‌های بیمه‌ای می‌تواند بخشی از خسارت‌های وارد شده را تأمین کند زیرا ساخت‌های آسیب دیده به سرعت ترمیم شود.

تیر کمبود اتوبوس بین شهری و چالش‌های خرید بلیت توبوس، بار دیگر مسافران را نشانه رفت و این بار درست در شرایط بحرانی مسافران را درگیر چالش کرد؛ چالشی که وزیر راه نیز به آن اشاره و عنوان کرده که موضوع کمبود ناوگان اتوبوسی کشور در ۱۲ روز جنگ، در کشور مشهود بوده است و به ویژه در مسیر تهران به اقصی نقاط کشور این موضوع را شاهد بودیم و در راستای حل آن، واردات و بهره‌مندی از توان داخل برای تأمین اتوبوس در دستور کار است. به گزارش ایستا، طی ۱۲ روز جنگ تحمیلی و بالغو شدن پروازهای داخلی، بسیاری از مسافران مجبور شده‌های دیگر حمل و نقلی را برای سفر به شهرهای مختلف انتخاب کنند که این انتخاب، چالش‌هایی برای مسافران به همراه داشت و هزینه زیادی روی دست آنها گذاشت. چالش اول اینکه با آغاز جنگ تحمیلی و اعلام دورکاری بسیاری از مشاغل و همچنین تعطیلی دانشگاه‌ها و... بلیت اتوبوس کمیاب شد و با ایجاد ترافیک در جاده‌های کشور زمان رفت و برگشت اتوبوس‌ها با تاخیرات بسیاری همراه شد. به همین جهت بسیاری از مسافران که قصد سفر به شهر و روستای خود را داشتند و نتوانستند در این ایام بلیت اتوبوس گرفت بعضاً چند میلیونی، یک مسیر چند صد هزار تومانی را طی کنند. قیمت‌هایی که برای برخی مسیرهای نزدیک تا پنج میلیون تومان و حتی فراتر هم رفت و برای بسیاری از مسافرانی که در اضطراب جنگ تحمیلی بودند ند این جمله جنگ مگه به واقعیت پیوست و دود این بازار شام مجدداً به چشم مسافران رفت. البته موضوع کمبود اتوبوس موضوع جدیدی نیست و سال‌هاست که در ایام و مناسبت‌های خاص این کمبود بیش از پیش به چشم می‌خورد. کمبودی که بسیاری از مسئولان مربوطه به آن اشراف دارند و معتقدند برای عبور از شرایط بحرانی به حدود ۴۰۰۰ تا ۶۰۰۰ دستگاه اتوبوس نیاز داریم و پس از آن نیز باید به همین میزان وارد شود تا به شرایط پایداری در این بخش برسیم. معاون دفتر برنامه و بودجه سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای نیز جندی بیش به ایستنا اعلام کرد که اگر ۲۰۰۰ دستگاه اتوبوس وارد و ۲۰۰۰ دستگاه را در داخل تولید کنیم کار بسیار بزرگی انجام شده که می‌تواند متوسط عمر ناوگان را از ۲۰ سال به ۱۴ سال برساند و پاسخگوی نیاز کشور باشد. وی همچنین عنوان کرد که دست بخش خصوصی را برای واردات اتوبوس باز گذاشتیم تا به هر شکلی که می‌توانند اتوبوس حتی با پنج سال کارکرد نیز وارد کشور کنند و بتوانیم مشکلات فعلی جابه‌جایی مسافران را در اوج سفرهای کشور نظیر اربعین ماه پایانی تابستان برطرف کنیم. وزیر راه و شهرسازی نیز فرودین ماه امسال اعلام کرد که در حال حاضر ۶۵۰۰ دستگاه اتوبوس خدمات رسانی می‌کنند و به همین میزان اتوبوس هم نیاز داریم. تعداد اتوبوس‌ها در نیاز کشور با یکدیگر فاصله دارند. عمر ناوگان بالاست و با استاندارد‌ها فاصله داریم اما حداکثر توان بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران داخلی را پیش خرید خواهیم کرد. البته چالش‌ها فقط به کمبود بلیت اتوبوس ختم نشد و برخی تخلفاتی نیز در این بین صورت گرفت. انطور که برخی مسافران به ایستنا اعلام کردند برخی سفرها به دلیل ترافیک جاده و کم بودن ناوگان کنسل شد؛ یعنی به دلیل ترافیک بالای راه‌های مواصلاتی کشور در روزهای ابتدایی جنگ، تعدادی از اتوبوس‌ها ساعت‌های طولانی در جاده ماندند و امکان برقراری سفر برای روزهای بعدشان را از دست دادند. به همین دلیل به برخی مسافران پیامک سفر کنسل شده ارسال شده بود. در اظهارات این مسافران آمده است که این پیامک یک ساعت قبل از انجام سفر برای آنها ارسال شده بود که عملاً امکان تهیه بلیت دیگر را برای آنها دشوار کرد و از طرفی علاوه بر آن جوهر پرداختی آنها بابت بلیت نیز با کسر مبلغ، به حساب آنها برگشت. یعنی در حالی که کنسلی از طرف مسافر نبوده و طبق قانون نباید هیچ مبلغی از آن کسر می‌شده، اما این اقدام انجام شده است. موضوعی که رئیس هیات مدیره اتحادیه به شرکت‌های تعاونی مسافرنری کشور در تشریح قوانین لغو سفر به ایستنا گفت که اگر شرکت حمل و نقل مسافرنری بنا بر هداییلی خودش اقدام به لغو سفر کند این موضوع متوجه مسافر نیست و باید وجه بلیت مسافر به صورت کامل به حساب آن بازگردد و اگر این اقدام صورت نگیرد تخلف است، اما اگر لغو سفر از جانب خود مسافر باشد درصدی از مبلغ پرداختی کسر و سپس مابقی به حساب مسافر واریز می‌شود. البته در این بازه وزیر راه و شهرسازی با حضور در ترمینال مسافرنری جنوب تهران، دستوراتی را جهت رفع مشکلات مردم و تسریع در خدمات دهی به آنان از جمله تنوع بخشی به ایستگاه‌های استانی در تمامی ترمینال‌های پایتخت، راه نجات کشور بدون تغییر ریشه‌ای سیاست‌های داخلی و خارجی، قابل تصور نیست.

تحلیل محمود جامسان، تحلیلگر اقتصادی از تبعات اقتصادی جنگ

آثار مخرب جنگ بر اقتصاد



بالا رفته و دلار و طلاگران ترمی شوند، در این بین با کمیابی کالاهای اساسی، دارو، غذا و قطعات، کمیاب و احتکار و بازار سیاه اوج می‌گیرد و مردم مجبور به خرید از بازارهای قاقاق یا چند برابر قیمت خواهند شد. تورم افسارگسیخته از دیگر پیامدهای این سناریو خواهد بود. افزایش متناوب نرخ تورم در کانال ۳ رقمی بسیار محتمل است و پول ملی بیش از بیش بی‌ارزش می‌شود. با ورشکستگی کامل سیستم بانکی، بانک‌ها قادر به تأمین ارز و نقدینگی نخواهند بود ضمن آنکه فرار سرمایه نیز شدت می‌گیرد. در بررسی پیامدهای اجتماعی و سیاسی باید گفت؛ در این راستا، احتمال اعتراضات گسترده و تنش‌های شهری، به ویژه در مناطق محروم و احتمال درگیری داخلی و جود دارو و شاید با ریزش احتمالی نیروهای سیاسی و امنیتی نیز مواجه باشیم. چون این نیروها هم خودشان قربانی شرایط خواهند شد و در نتیجه در این شرایط مرکز حاکمیت روی آرام‌سازی جوداخلی، نه اداره کشور خواهد بود و در این راستا ایجاد خطر سوری‌های شدن و چندیارگی قدرت، و با کمال تأسف شکل‌گیری گروه‌های شورشی یا جدایی طلب قوت خواهد گرفت.

سنا ر یو دو م در این سناریو، نقض احتمالی آتش‌بس و تداوم جنگ که دارای تبعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در ابعاد مختلفی خواهد بود را شاهد خواهیم بود.

در این حالت در ابعاد اقتصادی، شاهد انهدام زیرساخت‌های بیشتری خواهیم بود. با حمله دشمن به پالایشگاه‌ها، پتروپالایشگاه‌ها، صنایع، نیروگاه‌ها، سدها و سایر تأسیسات زیربنایی کشور که طی زمان و با صرف میلیاردها دلار ساخته شده به تدریج نابود می‌شود که تشدید کمبودها و ناترازی‌ها به ویژه در کالاهای اساسی و انرژی، تعطیلی گسترده صنایع و کاهش تولید ناخالص داخلی، از بین رفتن مشاغل و کاهش درآمد ملی، فروپاشی زنجیره تولید، بیکاری میلیونی و افزایش فقر مطلق از اهم پیامدهای اقتصادی و سیاسی یا حتی تغییر ساختار(ها) لازم است تا این چرخه متوقف شود. احتمالاً ادامه وضعیت فعلی چه با جنگ چه بدون جنگ همبر به بحران خواهد شد و نکته آخر اینکه؛ راه نجات کشور بدون تغییر ریشه‌ای سیاست‌های داخلی و خارجی، قابل تصور نیست.

نکات مشترک در هر دو سناریو

بدیهی است؛ وضعیت چه با جنگ چه بدون جنگ به شکل سابق باز نمی‌گردد و یا باید تغییرات لازم را انجام داد که فعلاً مقدور نیست، یا برای بقا نظام فشاگره، افزایش یابد و چالش‌ها جدی‌تر شود. در نهایت اینکه با توجه به شواهد و تجربه کشورهای مثل عراق، سوریه و لبنان، بازگشت به وضعیت قبلی (قبل از جنگ) تقریباً غیرممکن است. در وضعیت پیش از جنگ هم برخی مشکلات در اداره کشور وجود داشت. حال با این وضعیت بازیابی توان از دست رفته در تمشیت امور تردیدآمیز می‌شود. یک تغییر بنیادی (اعم از تغییر سیاست‌های اقتصادی و سیاسی یا حتی تغییر ساختارها) لازم است تا این چرخه متوقف شود. احتمالاً ادامه وضعیت فعلی چه با جنگ چه بدون جنگ همبر به بحران خواهد شد و نکته آخر اینکه؛ راه نجات کشور بدون تغییر ریشه‌ای سیاست‌های داخلی و خارجی، قابل تصور نیست.

اقتصاد حل نشده است. در این بین شاهد فروپاشی تدریجی طبقه متوسط خواهیم بود.

طبقه متوسط در شرف نابودی است و اکثریت جامعه به زیر خط فقر خواهند رفت. اما در بررسی پیامدهای اجتماعی و سیاسی این سناریو، نارضایتی‌های شدید پسا جنگ از شاخص‌های ویژه در محدود پیامدهای اجتماعی سیاسی پسا جنگ خواهد بود، چرا که مردم توقع دارند دولت خسارت‌ها را جبران کند، اما دولت بدون منابع قادر به جبران خسارت‌ها نخواهد بود، لذا احتمال اینکه با موج جدید اعتراضات روبه‌رو شویم و جود دارد، چون جامعه آسیب دیده، انگیزه اعتراض بیشتر است و دولت در برابر این اعتراضات موضع خواهد گرفت و در این بین شاهد دلسردی حامیان سنتی نظام در صورت ناتوانی دولت در آرام سازی و بهبود شرایط خواهیم بود.

قطعاً اولین گام حکومت در تمشیت امور، بازسازی اعتماد عمومی است، جلب اعتماد عمومی کلید حل مشکلات خواهد بود.

سناریو دوم

در این سناریو، نقض احتمالی آتش‌بس و تداوم جنگ که دارای تبعات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در ابعاد مختلفی خواهد بود را شاهد خواهیم بود. در این حالت در ابعاد اقتصادی، شاهد انهدام زیرساخت‌های بیشتری خواهیم بود. با حمله دشمن به پالایشگاه‌ها، پتروپالایشگاه‌ها، صنایع، نیروگاه‌ها، سدها و سایر تأسیسات زیربنایی کشور که طی زمان و با صرف میلیاردها دلار ساخته شده به تدریج نابود می‌شود که تشدید کمبودها و ناترازی‌ها به ویژه در کالاهای اساسی و انرژی، تعطیلی گسترده صنایع و کاهش تولید ناخالص داخلی، از بین رفتن مشاغل و کاهش درآمد ملی، فروپاشی زنجیره تولید، بیکاری میلیونی و افزایش فقر مطلق از اهم پیامدهای اقتصادی و سیاسی یا حتی تغییر ساختار(ها) لازم است تا این چرخه متوقف شود. احتمالاً ادامه وضعیت فعلی چه با جنگ چه بدون جنگ همبر به بحران خواهد شد و نکته آخر اینکه؛ راه نجات کشور بدون تغییر ریشه‌ای سیاست‌های داخلی و خارجی، قابل تصور نیست.

جنگی دولت از توان مواجهه با بحران‌های داخلی برخوردار باشد به ویژه آنکه در جبهه خارجی هم بشدت درگیر است و بسیاری از منابع که باید مصروف مهار ناترازی‌ها و سامان بخشی اقتصاد شود در عرصه جنگ هزینه می‌شود.

اینک پس از ۱۲ روز فساد طرف آتش‌بس را پذیرفته‌اند، اما پرسش این است که آیا این آتش‌بس پایا خواهد بود؟ در حقیقت پایداری آتش‌بس منوط به ترک تخاصم از سوی طرفین است.

نابودی اسرائیل همواره بخشی از دکترین جمهوری اسلامی بوده و ترک تخاصم به منزله عقب نشینی نظام از دکترین خود است. ضمن آنکه اسرائیل هیچگاه از ضربه ردن به نظام دریغ نکرده است.

لذا یک شلیک سهوی یا عمدی از سوی هریک از طرفین آتش جنگ را دوباره شعله‌ور خواهد ساخت. در حقیقت برقراری آتش‌بس بر اساس عرف و قوانین بین‌المللی باید به امضاء طرفین برسد. توافق رسمی جمهوری اسلامی با اسرائیل و امضای قرارداد آتش‌بس، به‌منزله برسمیت شناختن اسرائیل است که با توجه به دکترین نظام ممکن نیست. در این حال دو سناریو وجود دارد.

سناریو اول

در سناریوی نخست فرض بر این است که آتش‌بس فعلی پایدار بماند. در بررسی پیامدهای اقتصادی جنگ، قطعاً پس از جنگ، آمریکا به دنبال یک توافق متوسط است، اگر چنین توافقی روی دهد، منابع مسدود شده به تدریج آزاد می‌شوند، اما نیاز کشور به بازسازی بسیار بیش از منابع مسدود شده است. این در حالی است که، خزانه نسبتاً خالی شده، درآمدهای ارزی به حداقل رسیده است و بدهی‌های سنگین دست دولت را در سامان بخشی اقتصاد می‌بندد، در نتیجه بدون منابع مالی کافی و بدون سرمایه‌گذاری خارجی، بازسازی کشور و رفع ناترازی‌ها و روزآمد کردن صنعت نفت، امکان پذیر نخواهد بود. به علاوه، بازار کالا همچنان آشفته خواهد بود. شاید جنگ تمام شده باشد اما مشکلات زیرساختی و کمبود باقی است. ادامه تورم و گرانی یک دیگر از بارادایم‌های ماندگار است که حتی اگر جنگ تمام شود، تورم ادامه خواهد داشت چون مشکل ساختاری

رئیس مرکز مدیریت ریسک و تدوین مقررات بیمه مرکزی

نحوه پرداخت خسارات وارده به آسیب دیدگان جنگ اخیر را از سوی صنعت بیمه تشریح کرد و گفت: خسارات افرادی که پوشش بیمه‌نامه داشتند، توسط بیمه‌های بازگانی پرداخت می‌شود و باقی افراد براساس مصوبات دولتی خسارات خود را از دولت دریافت خواهند کرد.

بهرز بستگانی در رابطه با نحوه پرداخت خسارات جنگی تحولات اخیر اظهار کرد: هزینه افراد آسیب دیده در جنگ تا پایان تیرماه به صورت رایگان پرداخت می‌شود و نکته مهم در رابطه با افرادی است که تحت پوشش بیمه تکمیلی درمان هستند و قاعدتاً بخش درمان پایه و بیمه‌های سلامت تابع مصوبات دولت بوده و براساس آنچه اعلام شده خسارات از محل منابع آنها و تحت حمایت دولت پرداخت خواهد شد. وی افزود: نکته مربوط به بیمه‌های نقص عضو و از کار افتادگی این است که اگر افراد تحت پوشش بیمه‌های حوادث انفرادی و گروهی صادر شده از موسسات بیمه بازگانی نباشند، پرداخت خسارت مستلزم تعیین تکلیف در مراجع ذی صلاح و از طریق حمایت و مصوبات دولت است.

گفتنی است؛ پس از اعلام تشکیل ستاد بنیاد مسکن برای اعلام برآوردهای خسارات و بازسازی واحدهای آسیب دیده از جنگ، مسئولان بیمه مرکزی برای ارزیابی خسارات وارده در این جنگ اعلام آمادگی کرده و ابراز داشتند که اگر هر واحدی بیمه آتش سوزی داشته باشد، خسارات به صورت تمام و

استثنائات به حساب می‌آید اما پرداخت خسارت بسته به انتخاب و تمایل برخی شرکت‌ها به خودروهای دارای بیمه بدنه پرداخت خواهد شد و به گفته رئیس مرکز مدیریت ریسک و تدوین مقررات بیمه مرکزی، برای خودروهایی که بیمه بدنه خودرو ندارند، خسارات از طریق حمایت دولت پرداخت خواهد شد.

در این رابطه بستگانی خاطرنشان کرد: در بخش بیمه آتش سوزی یک رقم مشخصی به عنوان سرمایه بیمه‌نامه تعیین می‌شود که حد تعهد بیمه‌گر را مشخص می‌کند. از آنجاکه موضوع خسارات جنگی برای خودروها و وسایل نقلیه در پوشش بیمه‌نامه‌های بازگانی دیده نشده و جز